

رامین جمشیدی مجسمه ساز زمان ها

20 اردیبهشت 1396

رامین جمشیدی هنرمند قابلی است که مفاهیم مختلف را از گذرگاه ذهنش عبور می‌دهد و با دستانش در قالب مجسمه‌های پرمایه‌اش به بیان می‌گذارد.



رامین جمشیدی مجسمه‌ساز جوان و توانمند (متولد 1367)، از زمانی که 15 سالش بود به وادی مجسمه‌سازی پناهاده است و اکنون شاگرد و دستیار پرویز تناولی است، مجسمه‌های او در خیابان‌های تهران خودنمایی می‌کند و به زیبایی‌شناسی مردم در کنار ساختمان‌ها و چهره بدقواره شهر یاری می‌رساند، او هنرمند قابلی است که مفاهیم مختلف را از گذرگاه ذهنش عبور می‌دهد و با دستانش در قالب مجسمه‌های پرمایه‌اش به بیان می‌گذارد. مخاطب در رویارویی با مجسمه‌های زمان رامین، سنگینی حضور خود را در لحظه‌های زندگی بیش از پیش درک می‌کند و هشدار گذر زمان او را به مبارزه می‌طلبد.

آرتیبیشن در مصاحبه‌ای از خود هنرمند درباره مجسمه‌های زمانش و چگونگی پنهان کردن به وادی مجسمه‌سازی برای خوانندگان بلاگش پرسیده است:

چطور شد به مجسمه‌سازی روی آوردید؟

من از سال 84 مجسمه‌سازی را نزد استاد بزرگ "پرویز تناولی" آغاز کردم و از همان ابتدا علاقمند به این رشته شدم و احساس کردم هر آنچه که می‌خواهم در مجسمه‌سازی وجود دارد.

مجموعه مجسمه‌های "زمان" چگونه شکل گرفت؟

زمان در زندگی من گاه آزاردهنده و گاه زیباست، از این رو قالب اصلی دو مجموعه من از ساختار زمان شکل گرفت.



چه اتفاقی افتاد که تصمیم گرفتید از ابرازی که عموماً تداعی‌کنند زمان و مکان استفاده کنید؟

علم نجوم همواره یکی از درگیری‌های ذهنی من بوده است و حیات زمین بیشتر از آن. زمان و زمین دو بخش اصلی در کارهای

من شدند. زمین در آثار من به صورت کره‌های برنزی و آینه‌ای وجود دارند که مخاطب ناخودآگاه تصویر خود را در آنها می‌بیند و خودش بخشی از اثر من می‌شود. به‌طور کلی هر کدام از آثارم به گونه‌ای در تعامل با مخاطب می‌باشند، برخی از آنها حرکتی هستند که توسط مخاطب به حرکت در می‌آیند و برخی به واسطه صیقلی بودن کره‌ها که تصویر مخاطب را به او نشان می‌دهند، در تعامل با مخاطب هستند.



زمین به عنوان زادگاه ما انسان‌ها جایگاه ویژه و ارزشمندی برای من دارد، به‌طوری‌که با استفاده از یکی از فلزهای گرانبها سعی کردم تا حدی ارزش زمین را به مخاطب یادآور شوم. زمین طی روندی به وجود آمده است که این روند را ما انسان‌ها زمان می‌نامیم و برای آن ماشینی ساختیم به نام ماشین زمان. این ماشین در کارهای من چندین معنا دارد. شکل ظاهری ساعت در نگاه اول نمادی از زمان است و پس از آن شکل صنعتی آن نمایانگر صنعتی بودن دنیای امروز است، صنعتی که انسان برای رفاه و آسایش زندگی خود گسترش داده است، اما این پیشرفت صنعت و تکنولوژی تا حد زیادی باعث از بین رفتن زمین و زادگاه بشر شده است و انسان به‌طورخواسته یا ناخواسته مخرب حیات خویش و حیات زمین است.

مجسمه‌های شهری همواره جزیی از کارتان بوده است، چقدر در این مسیر تصمیم دارید خلق کنید، آیا شاهد کارهای بیشتر شما در این حوزه خواهیم بود یا قصد دارید شخصی‌تر و خصوصی‌تر در مسیر گالری‌ها حرکت کنید؟

هنرمند برای مردم هنر می‌آفریند. البته هنرمندانی هم هستند که آثارشان فضای شخصی‌تری دارد و آثار خود را صرفاً به نمایش در گالری‌ها محدود می‌کنند. اما فضای شخصی من تا حد زیادی در ارتباط با مردم است و مخاطب عام نیز از زاویه دید خود می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. من نیز دوست دارم کارهایم در اشل شهری نیز اجرا و دیده شوند و اگر باز هم قرار باشد کار شهری ارائه دهم، مطمئناً از لحاظ مفهومی از کارهایی که در گالری‌ها به نمایش می‌گذارم، دور نخواهند بود.



دغدغه‌های شما چقدر در روند شکل‌گیری آثارتان تاثیر داشته است؟

خوشبختانه من تاکنون توانسته‌ام تا حد زیادی دغدغه‌های ذهنی‌ام را به گونه‌ای در کارهایم بگنجانم. هر چند که بسیاری دیگر از این دغدغه‌ها همچنان در ذهنم جای دارند و هنوز در قالب حجم قرار نگرفته‌اند.

آخر اینکه آیا مجموعه بعدی شما هم با همین موضوع ادامه خواهد داشت؟

قطعاً مقوله‌های زمان و هستی آنقدر وسیع هستند که پایانی ندارند و هر چقدر که راجع به آنها صحبت شود، باز هم مواردی در ابهام و یا ناگفته باقی می‌مانند. من هم هنوز حرف‌های ناگفته‌ای در ذهن دارم که در دو مجموعه "آخر زمان" و "زمان بی‌زمانی" به آنها اشاره نکرده‌ام، چه بسا موضوعاتی هم که در دو مجموعه گذشته به آنها پرداخته‌ام، باز هم جای کار دارند.

توضیحات شما روشنگر مخاطبان آرتیبیشن برای رویارویی مجدد با مجسمه‌های شما بود، با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

برای خرید مجسمه‌های رامین جمشیدی و دیدن آثار مجموعه زمان، به صفحه او در آرتیبیشن مراجعه کنید.